

واردیز اولین قسط مطالبات ایران

از عراق به حساب بانک مرکزی
روز گذشته اولین بخش از مطالبات دولت ایران به حساب بانک مرکزی کشورمان واریز شد. به گزارش ایسنا، در جریان دیدار رئیس جمهوری کشورمان و هیأت همراه با رئیس جمهوری و نخست وزیر عراق، دکتر عبدالناصر همتی -رئیس کل بانک مرکزی- در مذاکرات مفصل با همتای عراقی خود نحوه پیگیری و اجرای توافق ماه گذشته بانک‌های مرکزی دو کشور را مورد بحث و توافق قرار داد.

بنا به این گزارش روز گذشته اولین بخش از مطالبات دولت ایران به حساب بانک مرکزی کشورمان واریز شد. از ۱۲ میلیارد دلار صادرات ایران به عراق ۴ میلیارد آن صادرات برق و گاز است.

در این جلسه در مورد تسهیل امور بانکی صادر کنندگان کالا و خدمت ایرانی و نیز فعالیت شعب بانک‌های ایرانی در عراق و ایجاد روابط کارگزاری بانک‌های ایرانی با بانک‌های عراقی و ضرورت قبول ضمانت نامه‌های دیناری به جای ضمانت نامه دلاری برای فعالیت پیمانکاران ایرانی به‌طور مفصل گفت‌وگو شد.

■ ■ ■

برای سال ۹۸ مطرح شد؛

چهار در خواست بخش خصوصی از دولت



رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران گفت: بخشی خصوصی از دولت می‌خواهد در مورد تک‌نرخ کردن ارز، قیمت گذاری حامل‌های انرژی، ادغام بانک‌ها و کمک‌به‌خودروسازان شفاف‌سازی کند.

به گزارش ایرنا، مسعود خوانساری دیروز در چهل‌وهشتمین و آخرین جلسه هیأت نمایندگان دوره هشتم اتاق تهران با اشاره به این مطلب، ادامه داد: از دولت می‌خواهیم ارز تک‌نرخ‌خی شود، زیرا معتقدیم انواع قیمت گذاری ارز مانند ارز ۴۲۰۰ تومانی، ارز نیمایی، ارز سناو بازار آزاد ایجاد رانت می‌کند. وی بایان اینکه خواسته‌ما از دولت و بانک مرکزی این است که هر چه سرعتر ارز تک‌نرخ‌خی شود، افزود: باوجود اینکه حجم بالایی از دلار ۴۲۰۰ تومانی برای تأمین کالاهای اساسی تخصیص پیدا کرد، شاهد تورم بالای ۳۵ درصد در برخی کالاهای اساسی و این کالاهای با قیمت واقعی به دست مصرف کننده نمی‌رسد. خوانساری تأکید کرد: در مورد حامل‌های انرژی به ویژه بنزین نیز باید تصمیم‌گیری شود تا جلوی هدررفت بیشتر را بگیریم. وی به‌موضوع ادغام ۵ بانک در بانک سپه اشاره کرد و گفت: این شبهه وجود دارد که بانک‌ها زبان‌ده هستند و اگر قرار است دولت ضرر و زیان این بانک‌ها را جبران کند، محل تأمین اعتبار آن از کجا خواهد بود و آیا شرایطی مانند موسسات اعتباری اتفاق می‌افتد. رئیس هیأت نمایندگان دوره هشتم اتاق تهران ادامه داد: قرار است دولت ۳۰ هزار میلیارد تومان به خودروسازان کمک کند تا یک میلیون خودروی ارزان تولید کنند، اما محل تأمین این اعتبار مشخص نشده است.

وی سال ۹۷ را سال سختی از نظر اقتصادی دانست و افزود: در ۶ ماه اول سال، شاهد بحران‌های ارزی و بخشنامه‌های متفاوت در این زمینه بودیم.

توجه به گفتمان اصلاح حکمرانی

اقتصادی و عمومی

در ادامه این جلسه، پدram سلطانی، عضو هیأت نمایندگان اتاق تهران، به لزوم توجه به گفتمان اصلاح حکمرانی اقتصادی و عمومی در کشور اشاره کرد و گفت: شرایط کنونی اقتصاد بهترین فرصت برای یک گفتمان عمومی در کشور است بنابراین از نگفتن مشکلات و پنهان کردن آن سودی نمی‌بریم و همگی باید بیانیگر باشیم. سلطانی افزود: تعامل در دوره هشتم اتاق بازرگانی تهران ممتاز بوده و اگر این فرهنگ را در سطح جامعه تعمیم دهیم، مدل مدیریت ما اصلاح‌پذیری بیشتری خواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه در بیان نقد طی سال‌های اخیر رشد کرده ایم، ادامه داد: مدارای بیشتری در رابطه با نقد در جامعه به وجود آمده، اما هنوز به مرحله نقدپذیری نرسیده ایم.

عضو اتاق بازرگانی تهران تأکید کرد: از همین رومی‌توانیم مدلی از اصلاحات را به جامعه معرفی کنیم تا ضعف‌های بزرگتر اصلاح شود.

علیرضا محجوب:

دلار ۱۲ هزار تومانی نباید قیمت پایه قرار گیرد



مسلط بودن نگاه اقتصادی - محاسباتی بر شورای عالی کار، به این معنی که دولت همواره تأکید می‌کند کارفرمایان توان پرداخت حداقل دستمزدهای «مکفی» را ندارند، مزد ۹۸ به گونه‌ای تعیین شود که نتوانند تکانی موثر به گهواره اقتصاد خانوارهای کارگری بدهند؟

حدود ۱۵ سال است که حداقل دستمزد بیشتر از ۴۰ درصد هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد. حتی یکبار به ۴۱ درصد هم رسید اما فراتر نرفت. توجه داشته باشید که این عقب‌افتادگی به‌جنگ‌هشت‌ساله مربوط نمی‌شود؛ با این حال عده‌ای آن را مرتبط به آثار اقتصادی جنگ تحمیلی می‌دانند.

حتی می‌توان گفت این شکاف از ۵۸ تا ۶۵ (سال‌هایی که درگیر جنگ بودیم) کمترین نوسان و عقب‌افتادگی را داشت. بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که زمان جنگ شاهد سقوط چشمگیر قدرت خرید مردم بوده ایم. با بگوئیم به خاطر جنگ دستمزدها به شدت سقوط کردند یا مثلاً نمی‌توانیم بگوییم که از آن زمان سرکوب دستمزدها کالبد خور.

دقیقاً از چه زمانی همه به دستمزد به قیمت ساقط کردن قدرت خرید مردم آغاز شد؟

از پس از جنگ، از زمانی که خصوصی‌سازی آغاز شد. از نظر «ما» کسانی که خصوصی‌سازی را در ایران پی‌ریزی کردند و همواره در مقام دفاع از این اشتباه خود برآمدند، دستمزدها را سرکوب کردند، خصوصاً از دهه ۸۰ به بعد آنها موازی با خصوصی‌سازی بر سر دستمزد زدند و کاری کردند که در یک دهه دستمزد به بدترین وضعیت خود سقوط کند. البته بعد کمی متعادل شد اما بار دیگر سقوط کرد و باز متعادل شد؛ این متعادل که می‌گوییم یعنی در بهترین حالت ۴۰ درصد از هزینه‌های سبب معیشت را پوشش داد.

در سال ۱۳۸۲ شورای عالی کار تحت فشار و اصرار من پذیرفت که شکاف مزد و هزینه‌ها یک بازه ۵ ساله مساوی با قبل شود. یعنی قرار بود که سال

۱۳۸۷ تمام عقب افتادگی‌های گذشته جبران شود. ما امیدوار بودیم در سال آخر (۱۳۸۷) مزد تا ۹۰ درصد هزینه‌ها را پوشش دهد؛ اما چه شد؟ در همان برهه بود که مجلس تحت عنوان تثبیت قیمت‌ها هر گونه افزایش قیمت کالاها را ممنوع کرد. شورای عالی کار هم با استناد به این مصوبه مجلس زیر بار اجرای فرمول تعیین شده نرفت. پس از این بود که من برای همیشه شورای عالی کار را ترک کردم.

فرمولی که برای تعیین دستمزد سال ۹۸ پیشنهاد می‌دهید، چیست؟

قیمت سبب معیشت امسال (۳ میلیون و ۷۵۹ هزار و ۲۰۰ تومان) حدود ۴ برابر حداقل دستمزد است. از سویی میان قیمت سبب معیشت امسال و سال گذشته (۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان) اختلافی ۱ میلیون و ۸۹ هزار تومانی وجود دارد. حداقل دستمزد در سال ۱۰۹۷ میلیون و ۱۱۷ هزار تومان است.

این یعنی فاصله چندانی میان مابه‌التفاوت هزینه‌های سبب معیشت امسال و سال گذشته با حداقل دستمزد جاری وجود ندارد. در چنین حداقل مزد بر هزینه‌ها حاکمی از اهتمام نداشتن نسبت به افزایش موثر قدرت خرید است.

آنچه که باید مورد گفت‌وگو باشد پرداخت همین عدد است: ۱ میلیون و ۸۹ هزار تومان (مابه‌التفاوت سبب پار سال و امسال). از سویی مبنای کف رقمی که می‌توان مطالبه کرد تورم است؛ تورمی ۴۰ درصدی که مرکز آمار آن را در بهمن ماه محاسبه کرده است.

بنابراین، چند کار باید انجام شود: ۱. یک ماهه افزایش ۴۰ درصدی روی حداقل دستمزد ۲. روی ماخذ ۱ میلیون مابه‌التفاوت سبب معیشت سال گذشته و امسال عددی را برای جبران باید پیر داند؛ آنهم طبق سه دوره زمانی. ۳. در شورای عالی کار باید متعهد شوند که مطابق هر افزایش قیمتی در بازار، دستمزد کارگران را افزایش دهند. اینها مواردی است که در روزهای آینده نمایندگان ذیربط در شورای عالی کار باید مطالبه و پیگیری کنند

■ نمایندگان کارگران در روز تصویب افزایش ۴۰۰ هزار تومانی حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت به مجلس آمدند تا کمسیون تلفیق بودجه را مجاب کنند که الحاقی‌های به لایحه بودجه اضافه کند، مبنی بر اینکه دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی متناسب با افزایش حقوق کارکنان دولت و بازنشستگان افزایش یابد. در واقع هر آنچه برای حقوق بگیران دولتی اعمال می‌شود باید برای مزد و مستمری بگیران هم اعمال شود؛ نوعی عدالت که به عقیده فعالان صنفی برقراری آن اجتناب‌ناپذیر است؟

بله، اما کمسیون تلفیق بودجه آن را نپذیرفت. من پیشنهاد نمایندگان کارگران را عیناً خواندم و در کمسیون تلفیق بودجه مطرح کردم اما اعضای رسمی پیشنهاد ما را بهانه‌های جلسه چسباندند تا کاری کنند که تعداد اعضای رای‌گیری به حد نصاب نرسد؛ یعنی محترمانه نپذیرفتند! معذور نمایندگانی که در جلسه کمسیون در هنگام رای‌گیری حضور داشتند، می‌گفتند اگر بخواهیم نظر نمایندگان کارگران را بپذیریم نظر ما روی هوا می‌رود! البته با فرمولی که گفتم تکلیف شورای عالی کار روشن است. همچنین میزان افزایش دستمزد کارگران نباید از افزایش حقوق کارمندان کمتر باشد.

چانه‌زنی باید از همین کف افزایشی که برای دولت در مجلس الزام کردیم، آغاز شود. سقف افزایش حقوق کارکنان دولت برای کف بگیرترین افراد حدود ۴۰ درصد است. به میزان ۱۰ درصد هم دولت برای افزایش همه سطوح یا سایر سطوح اختیار دارد. بنابراین ما همین میزان (۴۰+۵= درصد) افزایش دستمزد را برای کارگران مطالبه می‌کنیم. به هر شکل از نظر ما فرمول روشن است و نیاز به مذاکره در شورای عالی کار نیست. بنابراین این فرمول باید پذیرفته و اجرایی شود.

عملکرد دولت در جلسات

شورای عالی کار، تنظیم بازار و تثبیت قیمت‌ها را به جهت حفظ قدرت خرید کارگران، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دولت در کنترل قیمت‌ها و در مبارزه با گرانی مفعول است. ما باید تأکید کنیم که دولت در تصمیمات اقتصادی، انفعالی عمل می‌کند. به‌فعال اگر دولت فعال عمل کرد، به همان اندازه که قیمت‌ها افزایش پیدامی‌کرد به همان اندازه هم به حقوق و دستمزدها اضافه می‌کرد تا قدرت خرید حفظ شود. برای جبران قدرت خرید مردم نباید نیاز به مصوبه می‌داشتیم. دولت باید فعالانه پیشدستی می‌کرد و افزایش حقوق را همین امسال عملی می‌کرد. اینگونه تقاضا برای خرید کالا و خدمات بالایی رفت و تولید از رکود خارج می‌شد. ■ شما بارها طرح مزد شناور را مطرح کرده اید. مزد شناور در شرایط فعلی اقتصاد ایران و نبود بانک اطلاعاتی منسجم از میزان حقوق و دستمزدها تا چه اندازه قابل پیاده‌سازی است؟

من باز هم از مزد شناور دفاع می‌کنیم. ما از مزد شناور، از ارائه سبد (سبد کالا) نه سبد پولی دفاع می‌کنیم. مامی‌گوییم به مردم باید کالا داده شود، نه پول. پول تورم ایجاد می‌کند. ما که از دولت صدقه نخواستیم می‌گوییم کالا را به نرخ همان ارزی که وارد کردید در اختیار مردم بگذارید. اینگونه همه گوشت و برنج (ما محتاجات) خود را راحت تهیه می‌کنند

■ البته هر مرحله دوم و سوم سبد کالای پولی هم تأمین اعتبار نشده است و معلوم نیست سال آینده چه زمانی پرداخت می‌شود.

البته مسئله ما خود کالا است. در قانون بودجه سال آینده هم درج شده است: سبد کالا. سبد کالا را باید از طریق کارت‌های هوشمند خرید به دست مردم برسانند. اگر کسی مصر باشد که به جای کالا پول بگیرد، این امر دیگری است اما اصل باید کالا باشد، نه پول؛ چرا که پول تورم‌زاست و تنها علیه کارگران و طبقات پایین عمل خواهد کرد. اغنیا که این کالاها را مصرف نمی‌کنند، پول برداشت می‌کنند.

■ ۷ هزار میلیارد تومانی که در بودجه برای رفع فقر اختصاص یافته تا چه اندازه باری رسان خواهد بود؟ گفته می‌شود این ۷ هزار میلیارد تومان صرف رساندن در آمد فقرا به سطح مستمری مستمری بگیران کمیته امداد می‌شود. از سویی بانک اطلاعاتی دقیقی از در آمد فقرا وجود ندارد که بدانیم آیا این بودجه کافی است یا اینکه مثلاً باید ۲ برابر شود.

ما این ۷ هزار میلیارد تومان را کمک‌به کاهش ضریب جینی محسوب می‌کنیم که معنی آن دور شدن از نابرابری است. هر قدمی که برای کستن از نابرابری برداشته شود، مثبت است.

به نظر شما کافی است؟

خیر.

اگر کافی نیست پس چه باید کرد؟

هزار کاری می‌توان انجام داد، بیش از هزار



سقف افزایش حقوق کارکنان دولت برای کف‌بگیرترین افراد حدود ۴۰ درصد است. به میزان ۱۰ درصد هم دولت برای افزایش همه سطوح یا سایر سطوح اختیار دارد. بنابراین ما همین میزان (۵۰+۵= درصد) افزایش دستمزد را برای کارگران مطالبه می‌کنیم

کار بن‌بستی برای دولت وجود ندارد؛ اصلاً بن‌بست وجود خارجی ندارد. برای کسانی بن‌بست وجود دارد که با تئوری‌های اقتصادی آشنایی کامل ندارند. آنها که می‌گویند برای رفع فقر راه حل نداریم، می‌ترسند و چون می‌ترسند راه حل ندارد؛ نه اینکه رفته باشند بررسی کرده باشند و بعد به این نتیجه رسیده باشند که راه‌حلی وجود ندارد.

این راه حل‌ها دقیقاً چیست؟ لطفاً نمونه‌ای بیاورید.

کنترل نرخ ارز ضروری است. حالا ممکن است در ایام تعطیلات تقاضایی جدید برای ارز ایجاد شود اما این تقاضای جدید تنها مختصری قیمت ارز را بالا می‌برد؛ در حد ۲۰ یا ۳۰ تومان. اگر بیش از این افزایش قیمت داریم به تصمیم دولت برای واردات از طریق مرز نشینان بر می‌گردد.

واردات از طریق مرز نشینان تقاضای اضافی آورد. دولت حق ندارد تقاضای جدید برای واردات ارز ایجاد کند. دولت باید تقاضا را کنترل و مدیریت کند. از طرفی دولت حق ندارد در وی دلار ۱۰ هزار تومانی به عنوان پایه قیمت فکر کند؛ چرا که در وهله اول ضربه به خودش است. دولت باین کار هر چه از ارز درآمد داشته را دود می‌کند و به هوایم فرستد؛ چرا که هزینه‌های اداره کشور هم افزایش می‌یابند. در نهایت یک قدرت خرید دولت برای خرید کالا و خدمات کاهش می‌یابد، نه افزایش.

بهترین کار این است که دولت بکوشد قیمت دلار را به ۴ هزار تومان نزدیک کند؛ چرا که بیش از این جامعه کشتش ندارد. در درجه بعد دولت باید کنترل نظام پولی را در دست بگیرد. در حال حاضر بانک‌ها برای اینکه خود باقی بمانند پول مارا به آتش کشیده‌اند؛ پس بانک‌ها را به آتش بکشید نه مردم را. چرا مردم را در مضیقه قرار می‌دهید؟ هم ما و هم اقتصاددان‌ها می‌دانند که بحران ارزی اخیر به خاطر وجود تحریم‌ها نیست؛ چرا که تحریم‌ها شش ماه پس از بحران ارزی اعمال شدند.



جوجه‌ریزی شده، امروز در بازار عرضه می‌شود. حدود ۱۲۲ تا ۱۲۵ میلیون جوجه‌ریزی شده است که نسبت به پاییز امسال حدود ۳۰ درصد افزایش دارد. بنابراین در تولید و عرضه مشکلی نداریم و تنها باید احتیاط‌ها در این زمینه بیشتر و سوءاستفاده‌ها کمتر شود.